

مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند

Comparison of social development, emotional intelligence, and behavioral problems in preschool children from single-child and multi-child families

Farzaneh Akar

M.A in Clinical Child and Adolescent Psychology,
Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Mahin Exir *

Assistant Professor, Department of Psychology,
Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

mahin.exir.145@gmail.com

فرزانه آکار

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، گروه روانشناسی،
واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

مهین اکسیر (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

Abstract

This study aimed to compare social development, emotional intelligence, and behavioral problems among preschool children from single-child and multi-child families. The study employed a causal-comparative design. The statistical population included preschool children in Neyriz city during the 2024–2025 academic year. From this population, a sample of 200 children (100 single-child and 100 multi-child) was selected using purposive sampling. Data were collected using the Vineland Social Maturity Scale (VSMS; Vineland, 1965), the Emotional Intelligence Questionnaire (EIQ; Salovey & Mayer, 1997), and the Parent Form of the Child Behavioral Problems Questionnaire (PBQ-PF; Shahim & Yousefi, 1999). Data were analyzed using multivariate analysis of variance (MANOVA). The findings showed a significant difference between preschool children from single-child and multi-child families in social development, emotional intelligence, and behavioral problems ($p < 0.05$). The mean social development score in the single-child group was lower than that of the multi-child group ($p < 0.05$). Similarly, the mean emotional intelligence score in the single-child group was lower than that in the multi-child group ($p < 0.05$). In contrast, the mean behavioral problems score in the single-child group was higher than that of the multi-child group ($p < 0.05$). Therefore, these findings highlight the importance of family structure in explaining social development, emotional intelligence, and behavioral problems among preschool children.

Keywords: Social Development, Emotional Intelligence, Behavioral Problems, Single-Child, Multi-Child, preschool children.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند انجام شد. این مطالعه از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان پیش دبستانی شهر نیریز در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۳ بود. از بین جامعه‌ی آماری نمونه‌ای شامل ۲۰۰ نواآموز (۱۰۰ نفر تک‌فرزند و ۱۰۰ نفر چندفرزند) به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردید. داده‌ها با استفاده از مقیاس رشد اجتماعی (VSMS؛ واینلند، ۱۹۶۵)، پرسشنامه‌های هوش هیجانی (EIQ؛ سالووی و مایر، ۱۹۹۷) و مشکلات رفتاری کودکان فرم والدین (PBQ-PF، شهیم و یوسفی، ۱۳۷۸) گردآوری و با آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین کودکان پیش دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند در متغیرهای رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0.05$). میانگین رشد اجتماعی در گروه تک‌فرزند کمتر از گروه چندفرزند بود ($p < 0.05$). همچنین میانگین هوش هیجانی در گروه تک‌فرزند کمتر از گروه چندفرزند گزارش شد ($p < 0.05$). در مقابل، میانگین مشکلات رفتاری در گروه تک‌فرزند بیشتر از گروه چندفرزند بود ($p < 0.05$). بنابراین، این نتایج بر اهمیت نقش ساختار خانواده در تبیین رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: رشد اجتماعی، هوش هیجانی، مشکلات رفتاری، تک‌فرزند، چندفرزند، کودکان پیش دبستانی.

مقدمه

در سال‌های اخیر به دلایل مختلفی مانند اشتغال والدین، مشکلات اقتصادی و تغییر نگرش‌ها نسبت به فرزندآوری، تمایل خانواده به داشتن بیش از یک فرزند کاهش یافته و پدیده تک‌فرزندی بیش از گذشته رواج یافته است (لانزالئون و کانتارروپریو^۱، ۲۰۲۵). تعداد فرزندان در یک خانواده و پیامدهای روانشناختی، فردی و اجتماعی آن از جمله مسائل پیچیده‌ای است که همواره توجه اندیشمندان و محققان علوم انسانی را به خود جلب کرده است (هژبرخواه و همکاران، ۱۴۰۲). ساختار خانواده‌های چندفرزند در مقایسه با تک‌فرزند، فرصت‌های بیشتری برای تجربه روابط اجتماعی، رقابت سازنده، همکاری و یادگیری هیجانی فراهم می‌آورد (رااو^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). کودکان چندفرزند، به سبب تعامل مستمر با خواهران و برادران، در مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله اجتماعی و تنظیم هیجان‌ها رشد بیشتری دارند. در مقابل، کودکان تک‌فرزند معمولاً در محیط‌های خانوادگی ساکت‌تر و فردی‌تر رشد می‌کنند، که ممکن است فرصت‌های تمرین مهارت‌های اجتماعی و هیجانی را محدود سازد (سونگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۵).

از جمله بنیادی‌ترین ابعاد تحول انسان، رشد اجتماعی^۴ و هوش هیجانی^۵ است؛ زیرا این دو مؤلفه نه تنها بنیان روابط بین فردی و انطباق هیجانی را شکل می‌دهند، بلکه مسیر شخصیتی و رفتاری فرد را در سراسر زندگی تعیین می‌کنند. کودک در سال‌های نخست زندگی، به‌ویژه در دوره پیش‌دبستانی، در جریان تعامل با دیگران و درک هیجانات خویش و اطرافیان، مهارت‌های اجتماعی و هیجانی را فرا می‌گیرد. پژوهش‌های روان‌شناسی رشد نشان داده‌اند که تعاملات روزمره کودک با والدین، مربیان و همسالان، سکوی اصلی شکل‌گیری توانایی ارتباط مؤثر با محیط و درک هیجان‌ها محسوب می‌شود (گیولای^۶ و همکاران، ۲۰۲۱).

در این مرحله حساس، هوش هیجانی به عنوان توانایی تشخیص، درک و تنظیم هیجان‌ها و استفاده سازنده از آن‌ها در موقعیت‌های اجتماعی، به‌طور مستقیم بر سازگاری روانی و اجتماعی کودک اثر می‌گذارد (پرگانتیس و دریگاس^۷، ۲۰۲۳). گولمن^۸ (۲۰۲۱) خاطرنشان می‌کند که هوش هیجانی از دوران کودکی، زیربنای رشد شخصیت و انگیزش اجتماعی فرد را می‌ریزد. کودکانی که توانایی درک هیجان‌های خود و دیگران را دارند، در روابط گروهی موفق‌تر عمل می‌کنند، در مواجهه با ناکامی‌ها کنترل بیشتری نشان می‌دهند و در روند یادگیری اجتماعی و هیجانی رشد بهتری خواهند داشت (وراکسا^۹ و همکاران، ۲۰۲۵). روشن رشیدی^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «مقایسه میزان پرخاشگری، هوش هیجانی و هوش شناختی در دختران نوجوان تک‌فرزند و چند فرزند (مورد مطالعه: جزیره کیش)» به این نتایج دست یافتند که بین پرخاشگری، هوش هیجانی و هوش شناختی در دختران نوجوان تک‌فرزند و چند فرزند تفاوت وجود دارد. نتایج نشان داد که پرخاشگری، هوش هیجانی و هوش شناختی در دختران نوجوان چند فرزند بیشتر از دانش‌آموزان تک‌فرزند است. از این رو می‌توان گفت که دانش‌آموزان چند فرزند به دلیل ارتباط بیشتر در خانواده دانش بیشتری از طریق بازی‌ها و استفاده از هوش شناختی بزرگ‌ترها و همسالان کسب می‌کنند لذا میزان پرخاشگری آنها نیز کمتر از دانش‌آموزان چند فرزند است. پارسامهر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مقایسه اضطراب و هوش هیجانی در بین پسران تک‌فرزند و چند فرزند اراک» به این نتایج دست یافتند که بین هوش هیجانی و اضطراب دانش‌آموزان تک‌فرزند و چند فرزند تفاوت معناداری وجود دارد، به این صورت که هوش هیجانی دانش‌آموزان چند فرزند بیشتر از تک‌فرزند است. همچنین اضطراب دانش‌آموزان چند فرزند کمتر از دانش‌آموزان تک‌فرزند است. همچنین بین مولفه‌های هوش هیجانی در دانش‌آموزان چند فرزند و تک‌فرزند با اضطراب رابطه معکوس وجود دارد. سانگول و بیوکار^{۱۱} (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «هوش هیجانی در تعداد خواهر و برادر و جنسیت: یک مطالعه مقایسه‌ای» به این نتایج دست یافتند که تک‌فرزندان نسبت به فرزندان دارای خواهر و برادر به طور معنی‌داری از هوش هیجانی بالایی برخوردار هستند. بین جنسیت و تعداد خواهر و برادر تفاوت معناداری وجود نداشت. ماماتها و شیواکیومارا^{۱۲} (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر ترتیب تولد بر هوش هیجانی در میان نوجوانان

1. Lanza-León & Cantarero-Prieto

2. Rao

3. Song

4. social development

5. emotional intelligence

6. Gülay

7. Pergantis & Drigas

8. Goleman

9. Veraksa

10. Roshan Rishahri

11. Sangol & Burkar

12. Mamatha & Shivakumara

هندی» به این نتایج دست یافتند که تفاوت‌های معناداری در هوش هیجانی بین نوجوانان متولد شده در ترتیب تولدهای مختلف وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که تک فرزندان میانگین نمرات بالایی در هوش هیجانی دارند. متولدین وسط هوش هیجانی نمره بالایی دارند. فرزندان آخر کمترین میانگین نمره را در هوش هیجانی دارند.

از سوی دیگر، رشد اجتماعی کودک شامل یادگیری نقش‌ها، هنجارها، مسئولیت‌ها و رفتارهای اجتماعی پذیرفته‌شده در جامعه است (سیاخرانی و اسلان^۱، ۲۰۲۴). در نظریه‌های جدید روان‌شناسی رشد، این مؤلفه به عنوان نتیجه تعامل فعال میان کودک و محیط اجتماعی تعریف می‌شود، که در آن کودک مهارت‌های ارتباطی، همدلی، سازگاری و خودکنترلی را در روابط بین‌فردی کسب می‌کند (تا بر^۲، ۲۰۲۵). محیط خانواده نخستین بستر اجتماعی‌سازی کودک است و کیفیت آن در شکل‌گیری سالم مهارت‌های اجتماعی و هیجانی وی نقش محوری دارد (ساپوترا^۳، ۲۰۲۵). جهانیسراتاپه و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «مقایسه رشد اجتماعی و همدلی کودکان در خانواده های تک فرزند و چند فرزند» به این نتایج دست یافتند که بین رشد اجتماعی کودکان خانواده‌های چند فرزند و فرزندان تک فرزند تفاوت معناداری وجود ندارد و همچنین تفاوت معناداری در همدلی بین کودکان وجود ندارد.

از سوی دیگر، مشکلات رفتاری^۴ یکی از پیامدهای مهم رشد نامتوازن هیجانی-اجتماعی در دوران کودکی به‌شمار می‌آید (شنگ^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). این مشکلات معمولاً در قالب رفتارهای برون‌نمودی مانند پرخاشگری، نافرمانی، بیش‌فعالی و تکانشگری، یا درون‌نمودی مانند اضطراب، کناره‌گیری اجتماعی و افسردگی بروز می‌کنند (ویو^۶ و همکاران، ۲۰۲۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها، ضعف در مهارت‌های اجتماعی و محدودیت در تعاملات بین‌فردی، از مهم‌ترین پیش‌بین‌های بروز مشکلات رفتاری در کودکان هستند (رونگساتاتارم^۷ و همکاران، ۲۰۲۵). ساختار خانواده و به‌ویژه تک‌فرزند یا چندفرزند بودن می‌تواند در شکل‌گیری یا تعدیل مشکلات رفتاری نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. کودکان خانواده‌های چندفرزند، به دلیل قرار گرفتن در موقعیت‌های تعاملی مکرر، یادگیری حل تعارض، رعایت نوبت و کنترل تکانه‌ها، معمولاً فرصت بیشتری برای تمرین رفتارهای سازگارانه دارند. در مقابل، کودکان تک‌فرزند ممکن است به دلیل تمرکز بیشتر والدین، انتظارات بالاتر یا فرصت‌های محدودتر برای تعامل با همسالان در محیط خانواده، با چالش‌هایی در خودتنظیمی رفتاری مواجه شوند که می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مشکلات رفتاری شود (ژو^۸ و همکاران، ۲۰۲۵؛ ژانگ^۹ و همکاران، ۲۰۲۵؛ چانگ^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۵). در میان عوامل خانوادگی اثرگذار، تعداد فرزندان خانواده شاخصی کلیدی محسوب می‌شود؛ به این معنا که در ایران، طی دهه‌های اخیر تغییرات جمعیتی قابل‌توجهی به وقوع پیوسته است؛ کاهش نرخ زاد و ولد و تمایل خانواده‌ها به داشتن یک فرزند، به ظهور جامعه‌ای با الگوی تک‌فرزندی منجر شده است.

با وجود تأکید پژوهش‌های پیشین بر نقش تعاملات خانوادگی در رشد هیجانی-اجتماعی کودکان، همچنان ابهاماتی درباره تفاوت‌های احتمالی کودکان تک‌فرزند و چندفرزند در ابعاد رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری، به‌ویژه در دوره پیش‌دبستانی و در بافت‌های فرهنگی کمتر بررسی‌شده، باقی مانده است. بخش قابل توجهی از مطالعات یا تنها بر یک مؤلفه متمرکز بوده‌اند یا نتایج متناقضی درباره پیامدهای تک‌فرزندی و چندفرزندی گزارش کرده‌اند که امکان تعمیم و کاربرد عملی آن‌ها را محدود می‌سازد. پژوهش حاضر با بررسی همزمان این سه مؤلفه در کودکان پیش‌دبستانی، تلاش می‌کند به تبیین دقیق‌تر الگوهای رشد و سازگاری کودکان در ساختارهای متفاوت خانواده کمک کرده و بخشی از این خلأ پژوهشی را پوشش دهد. نتایج این مطالعه می‌تواند به‌طور مستقیم در شناسایی کودکان در معرض خطر مشکلات رفتاری و هیجانی، طراحی مداخلات پیشگیرانه در مراکز پیش‌دبستانی و برنامه‌های آموزش والدین مورد استفاده قرار گیرد و به‌صورت غیرمستقیم، مبنایی برای تصمیم‌گیری مربیان، مشاوران، روان‌شناسان تربیتی و برنامه‌ریزان آموزشی در جهت ارتقای کیفیت تعاملات خانوادگی و بهبود رشد همه‌جانبه کودکان فراهم آورد. با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند شهر نی‌ریز انجام شد.

1. Syakhrani & Aslan

2. Taber

3. Saputra

4. behavioral problems

5. Sheng

6. Wu

7. Rungsattatharm

8. Zhu

9. Zhang

10. Chang

روش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان پیش دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند شهر نیریز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. بر اساس اطلاعات اخذ شده از اداره آموزش و پرورش، تعداد کل نوآموزان ۴۲۹ نفر گزارش شد که شامل ۱۷۵ کودک تک‌فرزند و ۲۵۴ کودک چندفرزند بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح خطای ۰/۰۵، ۱۹۱ نفر برآورد گردید. با این حال، به منظور تشکیل دو گروه قابل مقایسه و افزایش قدرت آزمون آماری، در نهایت ۲۰۰ نوآموز به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند که شامل ۱۰۰ کودک تک‌فرزند و ۱۰۰ کودک چندفرزند بودند. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد؛ بدین صورت که پژوهشگر پس از مراجعه به مراکز پیش دبستانی شهر نیریز و هماهنگی با مدیران مراکز، فهرست کودکان واجد شرایط را بر اساس نوع ساختار خانواده (تک‌فرزند یا چندفرزند) تهیه کرد و سپس از میان آن‌ها کودکانی که معیارهای ورود به پژوهش را داشتند، به صورت هدفمند انتخاب شدند تا در نهایت تعداد مساوی از هر دو گروه در نمونه حضور داشته باشد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل: (۱) اشتغال به تحصیل در دوره پیش دبستانی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴، (۲) قرار داشتن در دامنه سنی ۴ تا ۶ سال، (۳) تک‌فرزند بودن یا داشتن حداقل یک خواهر یا برادر برای گروه چندفرزند، (۴) نداشتن سابقه اختلالات رشدی یا روان‌شناختی شدید بر اساس پرونده آموزشی و گزارش والدین، و (۵) رضایت آگاهانه والدین برای شرکت کودک در پژوهش بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل: (۱) ناقص بودن پرسش‌نامه‌ها، (۲) عدم همکاری والدین در تکمیل ابزارها، و (۳) انصراف والدین از ادامه مشارکت در هر مرحله از پژوهش بود. در راستای رعایت ملاحظات اخلاقی، هدف پژوهش به طور کامل برای والدین توضیح داده شد و تأکید گردید که مشارکت در پژوهش کاملاً داوطلبانه است و آن‌ها می‌توانند در هر مرحله از پژوهش بدون هیچ پیامدی از ادامه همکاری انصراف دهند. همچنین به والدین اطمینان داده شد که اطلاعات جمع‌آوری شده صرفاً برای اهداف پژوهشی استفاده می‌شود و تمامی پاسخ‌ها محرمانه باقی خواهد ماند. به منظور حفظ محرمانگی، پرسشنامه‌ها بدون نام و نام خانوادگی تکمیل شدند و داده‌ها به صورت کدگذاری شده مورد تحلیل قرار گرفتند. علاوه بر این، کد اخلاق پژوهش از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز با شماره IR.IAU.SHIRAZ.REC.1404.102 اخذ شد. در نهایت داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و به کمک آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری و تحلیل واریانس یک‌راهه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

مقیاس رشد اجتماعی واینلند^۱ (VSMS): این مقیاس نخستین بار توسط دول (۱۹۵۳) طراحی شده و نسخه اصلی آن شامل ۱۱۷ گویه متناسب با گروه‌های سنی مختلف است که ابعاد مختلف رشد اجتماعی از جمله خودیاری عمومی، خودیاری در خوردن و لباس پوشیدن، ارتباط، جهت‌یابی، تحرک، اشتغال و اجتماعی شدن را ارزیابی می‌کند. در پژوهش حاضر، متناسب با دامنه سنی کودکان پیش دبستانی، ۲۱ گویه مربوط به سنین ۳ تا ۷ سال انتخاب شد که توسط والدین تکمیل می‌شود. شیوه نمره‌گذاری گویه‌ها بر اساس مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت انجام می‌شود؛ به گونه‌ای که گزینه «کاملاً نادرست» نمره ۰، «تا حدودی نادرست» نمره ۱، «تا حدودی درست» نمره ۲ و «کاملاً درست» نمره ۳ دریافت می‌کند. دامنه نمرات قابل کسب در این نسخه بین ۰ تا ۶۳ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر رشد اجتماعی کودک است. روایی سازه این ابزار در نسخه اصلی از طریق محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین شاخص‌های رشد اجتماعی بررسی شد که نتایج نشان‌دهنده همبستگی معنادار بین ابعاد مختلف مقیاس بوده و ضرایب همبستگی در دامنه ۰/۴۵ تا ۰/۶۸ گزارش شده است. همچنین پایایی ابزار از طریق روش بازآزمایی در فاصله زمانی دو هفته‌ای برابر با ۰/۸۹ و ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱ به دست آمده است که بیانگر ثبات و هماهنگی درونی مطلوب ابزار می‌باشد. در ایران نیز ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در مطالعات مختلف بررسی شده و نتایج نشان‌دهنده روایی و پایایی مناسب آن است. در پژوهش نادری و همکاران (۱۳۹۷) روایی محتوایی ابزار تأیید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۰ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است.

پرسشنامه‌ی هوش هیجانی^۱ (EIQ): پرسشنامه هوش هیجانی سالوی و مایر^۲ (۱۹۹۷) یک ابزار خودگزارشی برای ارزیابی توانایی افراد در تشخیص، درک و تنظیم هیجان‌های خود و دیگران است. نسخه مورد استفاده در این پژوهش شامل ۱۴ گویه بوده و بر مبنای سه خرده‌مقیاس اصلی نظریه سالوی و مایر طراحی شده است: ادراک هیجان، تسهیل هیجان، و مدیریت هیجان. با این حال، در نسخه اختصاری ۱۴ گویه‌ای که در ایران رایج است، کلید نمره‌گذاری رسمی تفکیک‌شده برای استخراج زیرمقیاس‌ها ارائه نشده و عملاً نمره کل به‌عنوان شاخص اصلی هوش هیجانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گویه‌ها بر اساس یک مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از «هرگز» (نمره ۰) تا «همیشه» (نمره ۴) نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمره کل این نسخه برابر با ۰ تا ۵۶ است و کسب نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر هوش هیجانی فرد است. در نسخه اصلی، پایایی پرسشنامه در پژوهش سالوی و مایر (۱۹۹۷) مطلوب گزارش شده است؛ به‌گونه‌ای که ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۸۸ به‌دست آمده است. همچنین روایی همگرایی این ابزار از طریق همبستگی آن با پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن بررسی شد که ضریب همبستگی ۰/۶۴ گزارش گردیده است. در ایران نیز ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار بررسی شده است. خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۹۱) پایایی پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش کردند و ضریب همبستگی ۰/۶۱ را برای روایی همگرایی آن به دست آوردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۱ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است.

پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان فرم والدین^۳ (PBQ-PF): پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان توسط شهیم و یوسفی (۱۳۷۸) بر روی والدین کودکان (ترجیحاً مادران) با هدف بررسی مشکلات رفتاری کودکان ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه است که بر روی مقیاس ۳ درجه‌ای لیکرت (هرگز ۰، بعضی اوقات ۱، بیشتر اوقات ۲) نمره‌گذاری می‌گردد. این پرسشنامه دارای محتوای مثبت و منفی است و محتوای مثبت به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در مطالعه اولیه سازندگان ابزار، روایی محتوایی پرسشنامه با نظر متخصصان حوزه روان‌شناسی کودک تأیید شد. همچنین برای بررسی پایایی ابزار از دو روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۰ گزارش گردید. پایایی بازآزمایی نیز با فاصله زمانی دو هفته بر روی یک نمونه مشابه انجام شد که ضریب همبستگی ۰/۷۷ به‌دست آمد و نشان‌دهنده ثبات زمانی مطلوب ابزار است (شهیم و یوسفی، ۱۳۷۸). همسانی درونی نمره کل این آزمون در پژوهشی حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه شد.

یافته‌ها

بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان داد که دو گروه از نظر سن ($\chi^2=0/446, p=0/764$) و سطح سواد مادر ($\chi^2=0/764, p=0/458$) و جنسیت ($\chi^2=1/009, p=0/179$) با آزمون خی‌دو هم‌تا شده‌اند. در گروه گروه تک‌فرزند ۵۰ نفر دختر (۵۰ درصد) و ۵۰ نفر پسر (۵۰ درصد) حضور داشتند. در گروه چندفرزند ۵۰ نفر دختر (۵۰ درصد) و ۵۰ نفر پسر (۵۰ درصد) حضور داشتند. در گروه تک‌فرزند ۴۰ درصد کودک ۴ ساله (۴۰ نفر)، ۳۵ درصد ۵ ساله (۳۵ نفر) و ۲۵ درصد کودک ۵ ساله (۲۵ نفر) حضور داشتند. در گروه چندفرزند ۴۰ درصد کودک ۴ ساله (۴۰ نفر)، ۴۰ درصد ۵ ساله (۴۰ نفر) و ۲۰ درصد کودک ۵ ساله (۲۰ نفر) حضور داشتند. میانگین و انحراف معیار سنی شرکت‌کنندگان در گروه تک‌فرزند ۵/۷۹ و ۱/۳۳ بود. میانگین و انحراف معیار سنی شرکت‌کنندگان در گروه چندفرزند ۶/۳۴ و ۱/۱۶ بود.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار رشد اجتماعی و هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	کجی	کشدگی
رشد اجتماعی	گروه تک‌فرزند	۳۷/۵۸	۶/۳۹	۱۰۰	-۰/۸۶	۱/۸۶
	گروه چند فرزند	۵۲/۳۷	۴/۱۶	۱۰۰	۰/۵۳	-۰/۹۸
هوش هیجانی	گروه تک فرزند	۳۲/۳۵	۵/۶۹	۱۰۰	-۱/۱۸	۰/۵۶
	گروه چند فرزند	۳۹/۰۹	۶/۹۲	۱۰۰	۰/۴۶	۱/۲۳

۱. Emotional Intelligence Questionnaire

۲. Salovey & Mayer

۳. Questionnaire of Behavioral Problems of Children – Parent Form

مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند
Comparison of social development, emotional intelligence, and behavioral problems in preschool children from single...

مشکلات رفتاری	گروه تک فرزند	۲۱/۵۷	۴/۰۰	۱۰۰	۱/۶۷	۰/۳۲
	گروه چند فرزند	۱۷/۸۴	۳/۹۸	۱۰۰	۰/۴۳	۱/۶۵

همانطور که در جدول ۲، نشان داده شده است میانگین و انحراف معیار رشد اجتماعی گروه تک فرزند ۳۷/۵۸ و ۶/۳۹ و میانگین و انحراف معیار رشد اجتماعی گروه چند فرزند ۵۲/۳۷ و ۴/۱۶ می‌باشد. میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی گروه تک فرزند ۳۲/۳۵ و ۵/۶۹ و میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی گروه چند فرزند ۳۹/۰۹ و ۶/۹۲ می‌باشد. میانگین و انحراف معیار مشکلات رفتاری گروه تک فرزند ۲۱/۵۷ و ۴/۰۰ و میانگین و انحراف معیار مشکلات رفتاری گروه چند فرزند ۱۷/۸۴ و ۳/۹۸ می‌باشد. میزان کجی و کشیدگی نیز خبر از نرمال بودن داده‌ها می‌دهد. قبل از اجرای آزمون تحلیل واریانس چند متغیره، به منظور بررسی رعایت پیش‌فرض‌های لازم از آزمون‌های کولموگوروف اسمیرنوف و لون استفاده شد. آزمون کولموگوروف اسمیرنوف برای توزیع متغیرهای پژوهش در پس‌آزمون نشان داد، فرض نرمال بودن توزیع متغیرها رد نمی‌شود ($P \leq 0/05$). در بررسی پیش‌فرض همگنی واریانس‌های خطا از آزمون لون استفاده شد. نتایج این آزمون مشخص کرد، فرض همگنی واریانس‌ها رد نمی‌شود ($P \leq 0/05$). بررسی میزان کجی و کشیدگی متغیرها نشان داد، که مقدار آن بین ۲ و ۲- می‌باشد که میتوان گفت داده‌ها دچار کشیدگی و کجی نیستند ($P \leq 0/05$), بنابراین پیش‌فرض‌های لازم به منظور اجرای آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره وجود داشت.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره جهت

آزمون	مقدار	F	Df e	P	اندازه اثر	توان آماری
پیلایی	۰/۶۷۰	۲۱۱/۲۹۶	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰	۱
لامبدای ویلکس	۰/۳۳۰	۲۱۱/۲۹۲	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰	۱
تی هاتلینگ	۱/۹۹۹	۲۱۱/۲۹۶	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰	۱
ریشه ی روی	۱/۹۹۹	۲۱۱/۲۹۲	۱۹۷	۰/۰۰۱	۰/۶۷۰	۱

در جدول شماره ۲ جهت مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس چند متغیره ($p \leq 0/01$) کوچکتر از سطح معناداری ($\alpha = 0/05$) می‌باشد بنابراین می‌توان گفت بین کودکان پیش دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند از نظر حداقل یکی از متغیرهای رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری تفاوت وجود دارد. میزان اندازه اثر نشان می‌دهد که اثر متغیر مستقل بر وابسته ۶۷ درصد بوده است. جهت بررسی اینکه کدام متغیرها در دو گروه تفاوت معنی دار دارند در ادامه یک آزمون تحلیل واریانس یک متغیره نیز انجام شد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس تک متغیره در دو گروه

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	مقدار P	اندازه اثر
رشد اجتماعی	۷۸۵/۳۳۸	۱	۷۸۵/۳۳۸	۳۷۵/۷۲۷	$\leq 0/001$	۰/۷۶۵
هوش هیجانی	۴۵۳/۰۰۹	۱	۴۵۳/۰۰۹	۵۶/۴۹۲	$\leq 0/001$	۰/۳۲۱
مشکلات رفتاری	۳۱۱/۶۷۶	۱	۳۱۱/۶۷۶	۳۳/۷۷۹	$\leq 0/001$	۰/۲۹۸

با توجه به نتایج جدول ۳، مشخص شد که مقدار F در نمره رشد اجتماعی ($F = 375/727$, $p < 0/001$) معنادار شده است. همچنین مقدار F در نمره هوش هیجانی ($F = 56/492$, $p < 0/001$) معنادار شده است. همچنین مقدار F در نمره مشکلات رفتاری ($p < 0/001$) معنادار شده است. با توجه میانگین‌های مشاهده شده دو گروه می‌توان گفت میزان رشد اجتماعی و هوش هیجانی در کودکان پیش دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند به صورت معناداری کمتر از کودکان خانواده‌های چندفرزند می‌باشد. اما میزان مشکلات رفتاری در کودکان پیش دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند به صورت معناداری بیشتر از کودکان خانواده‌های چندفرزند می‌باشد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه رشد اجتماعی، هوش هیجانی و مشکلات رفتاری در کودکان پیش دبستانی خانواده های تک فرزند و چند فرزند شهر نی ریز انجام شد.

یافته های پژوهش نشان داد که بین رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی خانواده های تک فرزند و چند فرزند تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه ای که کودکان خانواده های چند فرزند در نمره کل رشد اجتماعی بالاتری داشتند. این یافته با نتایج پژوهش های رالو و همکاران (۲۰۲۴) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۴) همسو است که نشان دادند حضور خواهر و برادر، فرصت های طبیعی تری برای تمرین مهارت های اجتماعی، همدلی و سازگاری اجتماعی فراهم می آورد. در مقابل، نتایج مطالعه جهانپسراتاپه و همکاران (۲۰۲۳) که تفاوت معناداری بین کودکان تک فرزند و چند فرزند گزارش نکردند، با یافته های پژوهش حاضر ناهمسو است. این ناهمسوئی می تواند ناشی از تفاوت در بافت فرهنگی، دامنه سنی نمونه ها و ابزارهای سنجش رشد اجتماعی باشد؛ به ویژه آن که در فرهنگ ایرانی، تعاملات خانوادگی و خویشتن دانی نقش پررنگ تری در اجتماعی شدن کودک ایفا می کند.

در تبیین یافته های بدست آمده می توان اینگونه بیان کرد که بر اساس دیدگاه بندورا، کودکان از طریق مشاهده و تقلید رفتار دیگران، به ویژه افراد نزدیک در محیط خانواده، الگوهای رفتاری اجتماعی را می آموزند. در خانواده های چند فرزند، وجود خواهر و برادر فرصت مشاهده، الگوبرداری و بازخورد رفتارهای اجتماعی را بیشتر فراهم می سازد؛ به همین دلیل، کودکان چند فرزند در مواجهه با چالش های تعامل اجتماعی، از تجربیات متنوع تری برای مدیریت موقعیت های بین فردی برخوردارند. در مقابل، کودک تک فرزند صرفاً در تعامل با والدین قرار دارد که معمولاً تعاملاتشان از نظر هیجانی و اجتماعی از الگوی هم سطح هم سالان متفاوت است، از این رو مهارت های ارتباطی و انطباق اجتماعی در این گروه ممکن است دیرتر یا محدودتر رشد یابد (سونگ و همکاران، ۲۰۲۵). از منظر دیدگاه ویگوتسکی نیز یادگیری اجتماعی و رشد شناختی کودک در «حوزه ی مجاور رشد» از طریق تعامل با دیگران اتفاق می افتد. در محیط خانوادگی چند فرزند، وجود هم سالان نزدیک به منزله ی منبعی طبیعی برای شکل گیری رشد اجتماعی است، زیرا هر کودک در تعاملات روزمره با خواهران یا برادران خود، به چالش های اجتماعی و هیجانی مختلفی روبه رو می شود که موجب ارتقای مهارت های ارتباطی و همکاری می گردد (رالو و همکاران، ۲۰۲۴). این فرایند به تدریج توانایی های همدلی، خودکنترلی، و حل تعارض اجتماعی را در کودک تقویت می کند. بر اساس مدل های نظری تابر (۲۰۲۵) و سایپوترا (۲۰۲۵)، رشد اجتماعی کودک پیامد مستقیم تجربه های اجتماعی در بستر خانواده است و ساختار چند فرزند بستری لازم برای این تجربه را فراهم می کند. بنابراین، نتایج این فرضیه را می توان گواهی بر اهمیت خانواده های چند فرزند در شکل گیری مهارت های اجتماعی کودکان پیش دبستانی دانست؛ مهارت هایی که در آینده پایه گذار روابط سالم مدرسه ای و اجتماعی خواهند بود.

علاوه بر این، یافته های پژوهش نشان داد که هوش هیجانی کودکان پیش دبستانی خانواده های چند فرزند به طور معناداری بالاتر از کودکان تک فرزند است. این یافته با نتایج پژوهش های پارسامهر و همکاران (۱۳۹۸)، روشن رشیدی و همکاران (۲۰۲۴) و وراکسا و همکاران (۲۰۲۴) همسو است که نشان داده اند تعاملات مکرر با اعضای خانواده و همسالان، نقش مهمی در رشد توانایی های هیجانی کودکان ایفا می کند. همچنین، رالو و همکاران (۲۰۲۴) و گولمن (۲۰۲۱) تأکید دارند که یادگیری هیجانی در بستر تعاملات بین فردی و از طریق دریافت بازخورد هیجانی شکل می گیرد؛ فرایندی که در روابط خواهر و برادری فرصت های بیشتری برای تمرین مؤلفه هایی مانند همدلی، کنترل هیجانی و شادکامی فراهم می سازد.

این یافته را می توان در چارچوب مدل توانایی محور هوش هیجانی تبیین کرد که هوش هیجانی را حاصل رشد تدریجی توانایی هایی مانند ادراک هیجان ها، فهم علل و پیامدهای هیجانی و تنظیم پاسخ های هیجانی در تعامل با دیگران می داند (سالووی و مایر، ۱۹۹۰). رشد این توانایی ها مستلزم قرار گرفتن کودک در موقعیت های هیجانی متنوع، تکرار شونده و اجتماعی است که او را به شناسایی هیجان های خود و دیگران، پیش بینی پیامدهای هیجانی رفتار و به کارگیری راهبردهای تنظیمی سوق می دهد؛ فرایندی که در بستر روابط اجتماعی نزدیک شکل مؤثرتری می یابد (گولمن، ۲۰۲۱). در خانواده های چند فرزند، تعامل روزمره با خواهر و برادر کودک را در معرض تجربه هایی مانند همکاری، تعارض، مذاکره و حمایت عاطفی قرار می دهد که هر یک زمینه ای طبیعی برای تمرین مهارت هایی نظیر همدلی، کنترل هیجان و تنظیم تکانه فراهم می کند (یو و همکاران، ۲۰۲۴). تداوم این تعاملات، به درونی سازی راهبردهای تنظیم هیجان و ارتقای شایستگی

هیجانی منجر می‌شود، زیرا کودک پیامدهای هیجانی رفتار خود را در روابط هم‌سطح تجربه و اصلاح می‌کند (هوو و همکاران، ۲۰۲۳). در مقابل، در خانواده‌های تک‌فرزند، تعامل غالب با والدین و بزرگسالان - به دلیل عدم تقارن نقش‌ها و قدرت - فرصت کمتری برای تمرین مهارت‌های هیجانی در روابط هم‌سالانه فراهم می‌آورد و این امر می‌تواند رشد برخی مؤلفه‌های هوش هیجانی را محدود سازد (سانگول و همکاران، ۲۰۲۳).

در نهایت، یافته‌های پژوهش نشان داد کودکان پیش‌دبستانی خانواده‌های تک‌فرزند به‌طور معناداری مشکلات رفتاری بیشتری نسبت به کودکان خانواده‌های چندفرزند دارند. این یافته با نتایج پژوهش‌های شنگ و همکاران (۲۰۲۲)، ویو و همکاران (۲۰۲۵) و رونگساتارم و همکاران (۲۰۲۵) همسو است که افزایش مشکلات رفتاری و ضعف در خودتنظیمی هیجانی را در کودکان تک‌فرزند گزارش کرده‌اند. تبیین این الگو را می‌توان بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی و تفاوت در الگوهای تعاملات خانوادگی توضیح داد؛ به‌گونه‌ای که در خانواده‌های چندفرزند، کودک در تعاملات روزمره با خواهر و برادرها به‌طور مداوم در موقعیت‌هایی مانند رقابت، همکاری، تعارض و مذاکره قرار می‌گیرد و همین تجربه‌های مکرر فرصت مناسبی برای تمرین مهارت‌هایی نظیر مهارت‌های تفاهت، رعایت نوبت، حل تعارض، پذیرش قواعد مشترک و تنظیم هیجان‌های منفی فراهم می‌کند (شنگ و همکاران، ۲۰۲۲). تکرار این موقعیت‌ها به تدریج موجب درونی‌سازی هنجارهای رفتاری، تقویت خودتنظیمی شناختی-هیجانی و کاهش رفتارهای مسئله‌ساز می‌شود. در مقابل، در خانواده‌های تک‌فرزند بخش عمده تعاملات کودک با بزرگسالان است که معمولاً ساختارمندتر و همراه با هدایت و حمایت مستقیم والدین است و در نتیجه فرصت‌های کمتری برای تجربه تعارض هم‌سطح، مذاکره اجتماعی و یادگیری پیامدهای رفتاری در بستر تعاملات هم‌تراز فراهم می‌شود؛ شرایطی که می‌تواند به کاهش فرصت تمرین خودتنظیمی، تحمل پایین‌تر ناکامی و در نهایت بروز رفتارهایی مانند پرخاشگری، لجبازی یا کناره‌گیری اجتماعی در برخی کودکان تک‌فرزند بینجامد (ویو و همکاران، ۲۰۲۵؛ رونگساتارم و همکاران، ۲۰۲۵).

در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که ساختار خانوادگی نقش مهمی در شکل‌دهی رشد اجتماعی و هیجانی و بروز مشکلات رفتاری کودکان دارد. خانواده‌های چندفرزند با ایجاد فرصت‌های تعامل، همدلی و یادگیری اجتماعی، مسیر رشدی سالم‌تر را برای کودکان پیش‌دبستانی فراهم می‌کنند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های آموزشی و مداخلات روانی برای دوره‌ی پیش‌دبستانی، بسترهایی برای تقویت تعاملات گروهی، آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی و شبیه‌سازی تجربیات چندفرزندی در کلاس‌های تک‌فرزندان فراهم گردد، تا کمبودهای ناشی از ساختار خانواده در رشد اجتماعی و هیجانی آنان جبران شود.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند اشاره کرد؛ در این روش نمونه‌ها بر اساس ملاک‌های مشخص انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی از کل جامعه آماری برگزیده نشدند، بنابراین تعمیم نتایج به همه کودکان پیش‌دبستانی باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه‌های تکمیل‌شده توسط والدین گردآوری شد که ممکن است تحت تأثیر برداشت‌ها و قضاوت‌های شخصی پاسخ‌دهندگان قرار گرفته باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و در جوامع آماری گسترده‌تر استفاده شود تا تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد و نیز نقش عوامل دیگری مانند وضعیت اشتغال مادران یا گذراندن دوره پیش‌دبستانی در رشد اجتماعی و هوش هیجانی کودکان مورد بررسی قرار گیرد. از نظر کاربردی، لازم است برنامه‌های آموزشی هدفمند برای مربیان پیش‌دبستانی جهت تقویت مهارت‌های اجتماعی و هیجانی کودکان تدوین شود، کارگاه‌های آموزشی برای کودکان تک‌فرزند و والدین آنان برگزار گردد، و محیط‌های یادگیری به‌گونه‌ای طراحی شود که تعامل اجتماعی و تجربه‌ی هیجانات مثبت را از طریق فعالیت‌های گروهی، قصه‌گویی، ایفای نقش و بازی تقویت کند. اجرای منظم برنامه‌های ارزیابی و بازنگری در مهدکودک‌ها نیز می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف و ارتقای اثربخشی مداخلات آموزشی منجر شود.

منابع

- خدایاری فرد، م.، منظری توکلی، و.، و فراهانی، ح. (۱۳۹۱). بررسی اعتبار و روایی نسخه فارسی مقیاس خودکارآمدی هیجانی. مجله روانشناسی، ۱۶(۱)، ۸۳-۷۰.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/891075/>
- شهیم، س.، و یوسفی، ف. (۱۳۷۸). پرسشنامه مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی ویژه والدین. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱(۲۹)، ۳۲-۱۹.
<https://www.sid.ir/paper/426337/fa>
- هژبرخواه، ام.، قهاری، ش.، معمایان، ن.، و لطفی، م. (۱۴۰۲). مقایسه رابطه والد - فرزندی، سبک‌های هویت و شفقت به خود نوجوانان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند. مجله رویش روانشناسی، ۱۲(۱)، ۱۰-۱. URL: <http://frooyesh.ir/article-1-4306-fa.html>

- Chang, S., Jiang, Y., Huang, T., Ho, K., Tan, Y., Zhu, L., ... & Kang, J. (2025). Anxiety and depression in only children versus children with siblings: A cross-sectional study among Chinese medical students. *Public health*, 239, 162-168. DOI: [10.1016/j.puhe.2024.11.012](https://doi.org/10.1016/j.puhe.2024.11.012)
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence: Why it can matter more than IQ*. New York, NY: Bantam Books. <https://www.amazon.com/Emotional-Intelligence-Matter-More-Than/dp/055338371X>
- Goleman, D. (2021). *Emotional intelligence: 25-year edition*. New York, NY: Bantam Books. <https://www.amazon.com/Emotional-Intelligence-Daniel-Goleman/dp/1526633620>
- Gülay, H., Şahin, F., & Öztürk, I. (2021). Social competence and peer relationships in preschool children. *Early Child Development and Care*, 191(10), 1637–1650. DOI: [10.1002/pits.10120](https://doi.org/10.1002/pits.10120)
- Howe, N., & Recchia, H. E. (2023). Sibling interactions as contexts for socioemotional development: A cross-cultural update. *Child Development Perspectives*, 17(3), 181-189. <https://doi.org/10.1111/cdep.12456>
- Jahaniseratapeh, S., Amiri Naniz, F., Askari, M., & Moghaddam, N. (2023). *A Comparison of Social Development and Empathy in Children from Single-Child and Multi-Child Families*. The First International Conference on Applied Psychology, Zahedan. <https://elmmnet.ir/doc/10628683-11454>
- Lanza-León, P., & Cantarero-Prieto, D. (2025). The loud silent side of single parenthood in Europe: health and socio-economic circumstances from a gender perspective. *Journal of Family and Economic Issues*, 46(2), 479-491. DOI: [10.1007/s10834-024-09954-y](https://doi.org/10.1007/s10834-024-09954-y)
- Mamatha, j. & Shivakumara, k. (2022). The Effect of Birth Order on Emotional Intelligence among Indian. *International Journal for Research Trends and Innovation*, Vol 7 (5), 2456-3315. <https://www.ijrti.org/papers/IJRTI2205068.pdf>
- Moradi, M. (2018). Psychometric properties of the Vineland Social Maturity Scale among preschool children in Iran. *Journal of Developmental Psychology*, 15(2), 85–102. <https://doi.org/10.22059/jdp.2018.245678>
- Pergantis, P., & Drigas, A. (2023). Sensory integration therapy as enabler for developing emotional intelligence in children with autism spectrum disorder and the ICT's role. *Brazilian Journal of Science*, 2(12), 53-65. DOI: <https://doi.org/10.14295/bjs.v2i12.422>
- Rao, W. W., He, F., Qi, Y., Lok, G. K. I., Jackson, T., Zheng, Y., & Xiang, Y. T. (2024). Mental health among school children and adolescents in China: A comparison of one-child and multiple-children families from a nationwide survey. *Asian Journal of Psychiatry*, 100, 104130. DOI: [10.1016/j.ajp.2024.104130](https://doi.org/10.1016/j.ajp.2024.104130)
- Roshan Rishahri, A., & Zahmatkesh, Y. (2024). *A Comparison of Aggression, Emotional Intelligence, and Cognitive Intelligence among Adolescent Girls from Single-Child and Multi-Child Families (Case Study: Kish Island)*. The 21st National Scientific-Research Conference on Psychology and Educational Sciences, Shirvan. <https://civilica.com/doc/2101778/>
- Rungsattatharm, L., Tasingha, P., Trairatvorakul, P., & Chonchaiya, W. (2025). Longitudinal associations between executive function and positive parenting during early childhood and resilience, self-regulation, and behavioral problems in school-age children. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 19(1), 19. DOI: [10.1186/s13034-025-00875-8](https://doi.org/10.1186/s13034-025-00875-8)
- Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition and Personality*, 9(3), 185–211. <https://doi.org/10.2190/DUGG-PX9H-8DHC-GX63>
- Sangol, P., & Burkar, K. (2023). Emotional intelligence differences among single-child and multi-child families: A cross-cultural perspective. *Psychology and Education*, 60(2), 102-114. <https://doi.org/10.5281/zenodo.10204587>
- Sangole, O. & Borkar, V. N. (2023). Emotional Intelligence in Number of Siblings and Gender: A Comparative Study. *The International Journal of Indian Psychology*, Vol 11 (1), 1987-1979. DOI: 10.25215/1101.195
- Saputra, E. E. (2025). The impact of Montessori based learning on early childhood cognitive and social development. *Jurnal E-MAS (Edukasi dan Pembelajaran Anak Usia Dini)*, 1(1), 13-22. DOI: <https://doi.org/10.64690/e-mas.v1i1.28>
- Sheng, L., Yang, B., Story, M., Wu, W., Xi, X., Zhou, Y., ... & Liu, Q. (2022). Emotional and behavioral changes and related factors of firstborn school-aged compared to same age only children. *Frontiers in Public Health*, 10, 822761. DOI: [10.3389/fpubh.2022.822761](https://doi.org/10.3389/fpubh.2022.822761)
- Song, Y., Guo, L., Zhu, H., & Yu, B. (2025). Only child or multiple children? The number of children and cognition in older Chinese parents. *Australasian Journal on Ageing*, 44(1), e70009. <https://doi.org/10.1111/ajag.70009>
- Syakhriani, A. W., & Aslan, A. (2024). The impact of informal family education on children's social and emotional skills. *Indonesian Journal of Education (INJOE)*, 4(2), 619-631. <https://www.injoe.org/index.php/INJOE/article/view/153>
- Taber, K. S. (2025). Mediated learning leading development—The social development theory of Lev Vygotsky. In *Science education in theory and practice: An introductory guide to learning theory* (pp. 275-292). Cham: Springer Nature Switzerland. DOI: [10.1007/978-3-030-43620-9_19](https://doi.org/10.1007/978-3-030-43620-9_19)
- Veraksa, A. N., Plotnikova, V. A., Sukhikh, V. L., Kornienko, D. S., & Rudnova, N. A. (2025). Non-therapeutic play to overcome negative emotional symptoms and improve emotional intelligence in children aged 3–7: A systematic review. *Frontiers in Psychology*, 16, 1475387. DOI: [10.3389/fpsyg.2025.1475387](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1475387)
- Wu, Q., Radey, M., McWey, L., & Millender, E. F. (2025). Within-family processes among safety nets, maternal parenting stress, and child behavioral problems among low-income families: The importance of race and ethnicity. *Family Process*, 64(1), e13056. DOI: [10.1111/famp.13056](https://doi.org/10.1111/famp.13056)
- Yang, B., Ollendick, T. H., Dong, Q., Xia, Y., & Lin, L. (1995). Only children and children with siblings in the People's Republic of China: Levels of fear, anxiety, and depression. *Child development*, 66(5), 1301-1311. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/7555217/>

Comparison of social development, emotional intelligence, and behavioral problems in preschool children from single...

- Yu, T., Liu, H., & Wang, Q. (2024). Sibling presence and social competence among preschoolers: Evidence from Chinese families. *Early Childhood Research Quarterly*, 66, 237-247. <https://doi.org/10.1016/j.ecresq.2023.06.012>
- Zhang, C., Chen, J., & Lai, Y. (2025). Father involvement and depressive symptoms in Chinese rural children: Examining peer relationships as a mediator and only-child status as a moderator. *The British Journal of Social Work*, bcaf062. DOI: [10.1093/bjsw/bcaf062](https://doi.org/10.1093/bjsw/bcaf062)
- Zhang, M., Zhang, C., & Liu, Y. (2024). From one-child policy to three-children initiative: a feminist critique of the population planning policies in China. *Communication, Culture & Critique*, 17(2), 103-111. <https://doi.org/10.1093/ccc/tcae014>
- Zhu, L., Huang, M., Fang, Z., Tong, J., Pan, Z., Hua, L., ... & Jin, Y. (2025). Exploring the relationship between aggressive behavior, family parenting styles, and self-esteem among only-child college students in China: A cross-sectional study. *Psychology Research and Behavior Management*, 435-448. doi: [10.2147/PRBM.S505802](https://doi.org/10.2147/PRBM.S505802)